

شاخصه‌های همگرایی مردم با حکومت اسلامی از منظر نهج البلاغه و صحیفه  
امام خمینی علیه السلام با رویکرد بینامتنی

اشرف جناتی\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

چکیده

همگرایی مردم با نظام، از راهبردهای نظام اسلامی، برای حفظ و تقویت حکومت اسلامی است. این موضوع، در نهج البلاغه و آثار متأثر از آن، نمود ویژه‌ای دارد. از میان آثار متأخر متأثر، صحیفه امام علیه السلام بیاناتی از امام خمینی علیه السلام را در موضوع همگرایی مردم با نظام در بردارد و نشان می‌دهد ایشان، از مفاهیم و ادبیات کلام علوی علیه السلام در این موضوع، تأثیر زیادی گرفته‌است. بینامتنیت، از جمله مباحث نوین در حوزه مطالعات ادبی است که به بررسی روابط بین دو متن می‌پردازد. نظریه پردازان مختلف، با خاستگاه‌ها و تحلیل‌های متفاوتی، به تبیین این روش پرداخته‌اند. این پژوهش، بر آن است در موضوع همگرایی مردم با حکومت اسلامی، نحوه تأثیرپذیری کلام امام خمینی علیه السلام از کلام حضرت امام علی علیه السلام را به شیوه بینامتنیت بررسی نماید تا بتواند تحلیل نوینی از شیوه اقتباس و نحوه تأثیرپذیری ایشان از اندیشه علوی را نمایان سازد. با تأمل در خوانش دو متن، سیطره و تأثیر فراوان کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بر امام خمینی علیه السلام اثبات می‌گردد. با تحلیل گونه‌های بینامتنیت دو متن، بیشترین فراوانی به روابط بینامتنی مضمونی و از نوع نفی متوازی تعلق دارد. همچنین امام خمینی علیه السلام در دو محور مبانی و اقدامات عملی، جهت تبیین همگرایی مردم با نظام اسلامی، از نهج البلاغه بهره گرفته است.

کلیدواژه‌ها:

نهج البلاغه، حضرت امام علی علیه السلام، امام خمینی علیه السلام، همگرایی مردم.

\*. استاد یار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، گیلان، ایران.

### ۱- بیان مسئله

در عصر حاضر، پژوهش‌های دینی، با تمرکز بر روش‌های بینارشته‌ای اهمّیت فوق العاده‌ای دارد. روش بینامتنیت، بر ضرورت وجود رابطه بین متون تأکید دارد. از این رو، هیچ مؤلفی، خالق اثر خویش نیست، بلکه اثر وی، باز خوانشی از آثار پیشینیان یا معاصران می‌باشد. بدین ترتیب، مباحث بینامتنی در حوزه متون دینی، بازتاب‌ها و کارکردهای گوناگونی به همراه داشته است. زیرا متون دینی و اسلامی از دیرباز، پیوسته، مورد اقبال اندیشمندان هر دوره بوده و هر یک از اندیشمندان از آن بهره فراوان برده‌اند.

کتاب شریف نهج البلاغه، به عنوان دومین متن اصیل اسلامی بعد از قرآن کریم، مورد عنایت و توجه بسیاری از اندیشمندان و متفکران اسلامی در طول تاریخ بوده است. امام خمینی علیه السلام با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی در تلاش بود تا حکمرانی علوی علیه السلام را مستقر نماید. یکی از اندیشه‌های امام علیه السلام در نظام اسلامی، همگرایی مردم با نظام است که در کلام علوی علیه السلام به ویژه در نهج البلاغه، مورد اهتمام ویژه بوده و امیرالمؤمنین علیه السلام با تأکید بر تعامل و تشریک مساعی حکومت با مردم و همگرایی مردم با حکومت، وظایف خطیری را در این زمینه یادآور شده است. از سوی دیگر، امام خمینی علیه السلام که متخلّق به اخلاق علوی است، خطاب به دولتمردان نظام، توصیه‌های اخلاقی فراوانی کرده‌اند که در مجموعه صحیفه امام از ایشان برجای مانده است. از این رو، صحیفه امام علیه السلام از متون تأثیرپذیر از متن نهج البلاغه محسوب می‌شود. توجه به اندیشه علوی به کار رفته در کلام امام خمینی علیه السلام، به لحاظ جنبه زیبایی‌شناختی و علوّ معنا، قابل بررسی است. در حقیقت، مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی و استقرار نظام اسلامی برخاسته از اراده مردم است. اهمّیت مقوله همگرایی، از جهات مختلف، همانند تأثیرگذاری در قوام و ثبات حاکمیت اسلامی، به حداقل رساندن آسیب‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی و رشد و پیشرفت نظام در ابعاد مختلف، قابل ارزیابی است و بررسی آن، از دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام که با رهبری حکیمانه خویش توانست با ایجاد همگرایی بین مردم و رهبری مبتنی بر ایدئولوژی دینی، انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی برساند از جایگاه خاصی برخوردار است. هر چند حضرت امام علی علیه السلام و امام خمینی علیه السلام به شکلی مدوّن به بحث همگرایی میان مردم و حکومت پرداخته‌اند، ولی سخنان آنان به گونه‌ای است که می‌توان براساس آن‌ها، به استخراج

دیدگاه ایشان اقدام نمود. بدیهی است مصادیق بیان شده در این پژوهش، فقط مبتنی بر کلام و اندیشه‌های حضرت امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و امام خمینی علیه السلام در صحیفه است و مقصود از این مسئله، منحصر کردن مصادیق همگرایی مردم و نظام از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام و امام خمینی در مواردی که ذکر می‌شود، نیست. از این رو، هدف از این پژوهش، بررسی مهمترین مصادیق همگرایی مردم با حکومت اسلامی از منظر اندیشه علوی و کلام امام راحل، با کاربست روش بینامتنیت است. از دو منظر می‌توان راجع به اهمیت و ضرورت پرداختن و استفاده از بینامتنیت در مطالعات اندیشه علوی و امام راحل، سخن گفت: ۱. استفاده از این روش‌ها، در واقع استفاده از یک زبان فرااقلمی و جهانی است. مطالعات علوم انسانی در کشورهای مختلف دنیا، اعم از مسلمان و غیرمسلمان در حال فزونی است، از همین رو، جهت برقراری ارتباط با دیگر پژوهشگران، نیاز به زبان مشترک است که روش‌های نوین تحلیل متن می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. ۲. تعمیق بخشیدن به مطالعات پیرامون کلام علوی علیه السلام و امام خمینی علیه السلام در میان خود مسلمانان است. زیرا مباحث بینامتنیت، زاویه جدیدی را در مطالعه روابط بین متون می‌گشاید که به فهم بهتر آن متون یاری می‌رساند.

به همین سبب، این پژوهش در نظر دارد شیوه تأثیرپذیری امام خمینی علیه السلام از نهج البلاغه را در موضوع همگرایی مردم با حکومت اسلامی، مورد تتبع و بررسی قرار دهد. هم‌چنین بررسی می‌شود از میان روابط بینامتنی، بین متون نهج البلاغه به عنوان متن پیشین و متن صحیفه امام علیه السلام به عنوان متن حاضر، در موضوع همگرایی مردم و حکومت اسلامی، کدام گونه از روابط بینامتنی بیشترین فراوانی را دارد.

## ۲- پیشینه پژوهش

در زمینه بینامتنی، آثار زیادی به رشته تحریر درآمده است؛ از مهمترین آنها، کتاب بینامتنیت اثر گراهام آلن ترجمه: پیام یزدانجو از زبان انگلیسی به فارسی است. آثار بهمن نامور مطلق از جمله کتاب درآمدی بر بینامتنی، نظریه‌ها و کاربردها از نشر سخن و کتاب التناص نظریاً و تطبیقاً از احمد زغبی از جمله آثار مؤثر در این روش است که به تفصیل، تاریخچه نظریه‌ها و کاربردهای ارتباط متون را بررسی کرده‌اند.



تاکنون درباره تطبیق صحیفه امام با نهج البلاغه، در موضوع همگرایی مردم با حکومت اسلامی با تمرکز بر روش بینامتنی، پژوهشی صورت نگرفته است. هر چند فتاحی‌زاده و سقا (۱۳۹۳) نماد اخلاق اجتماعی نهج البلاغه و صحیفه امام را با رویکرد بینامتنی مورد تتبع قرار داده‌اند و بینامتنی‌های صریح و تلمیح‌گونه در دو متن را واکاوی نموده‌اند. همچنین علائی رحمانی و غلامی‌نژاد (۱۳۹۵) با این روش در موضوع توبه و استغفار در نهج البلاغه و چهل حدیث امام خمینی علیه السلام پژوهش کرده‌اند. با عنایت به پیشینه پژوهشی فوق، برای بررسی دقیق‌تر مؤلفه‌های موجود در نهج البلاغه و کلام امام خمینی علیه السلام درباره همگرایی مردم با نظام اسلامی با خوانش بینامتنیت، انجام پژوهشی مستقل ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳- چارچوب نظری پژوهش

نظریه بینامتنیت (Intertextuality) اخیراً در نقد ادبی غرب شناخته شده است و نخستین بار توسط ژولیا کریستوا (Julia kristeva) در اواخر دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی مطرح شد. تلاش این دانشمند برای تلفیق آراء سوسور (Ferdinan De Sussure) و باختین (Mikhail Bakhtin)، نخستین تبیین را برای این نظریه پدید آورد. (آلن، ۱۳۸۵، ص ۱۳) بینامتنی ظهور خود را مرهون تلاش‌هایی است که پیش از آن توسط مکاتبی چون صورتگرایی<sup>۱</sup>، ساختارگرایی، پساساختارگرایی ارائه شده است. زیرا این نظریه از نقد دیدگاه سوسور در نشانه‌شناسی پساساختارگرا آشکار گشت. سوسور به ارتباط نشانه‌ها با یکدیگر نظر داشت. لیکن یکی از معایب نظر وی و ساختارگرایان این بود که متن را هویتی جدا و بسته در نظر می‌گرفتند و فقط به ساختار درونی آن توجه می‌کردند. در حالی که پساساختارگرایان، نظیر باختین و کریستوا هر متنی و قرائتی را وابسته به کدهای پیشین می‌دانستند و معتقد بودند هر متنی تحت اقتدار سایر گفتارهاست. در واقع، پساساختارگرایان، به جای توجه به ساختار متن‌ها، به نحوه‌ی شکل‌گیری ساختار آن‌ها معطوف شدند. (همان)

۱. (Formalism) اصطلاحی است در باب پژوهش‌های ادبی و نقادانه‌ی گروهی از نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران ادبی روس، به کار رفته است. صورتگرایان متن ادبی را قائم به ذات می‌دانستند به این معنا که پاره‌ای، پاره‌ی دیگر را تبیین و تفسیر می‌نماید و نیازی به فرورفتن در زمینه‌های دیگر نیست (طعمه حلبی، ۲۰۰۷م: ۳).



بینامتنیت، ترجمه لغت «تناس» در زبان عربی است. تناس، بر وزن تفاعل و بر اشتراک دو متن با یکدیگر دلالت می‌کند. این دو اصطلاح به نوعی، به متن یا متن‌های دیگر اشاره دارند و در تفسیر متن مورد نظر، رجوع به آن‌ها حس می‌شود. در نظریه بینامتنیت، کریستوا، هر متنی را به منزله جذب و دگرگون‌سازی متون دیگر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که متون همواره در حال تولید است. در واقع از این منظر، مؤلفان، متون خود را به یاری اذهان خود نمی‌آفرینند، بلکه آن‌ها را بر اساس متون از پیش موجود تدوین می‌کنند. به همین دلیل است که کریستوا گاهی از تعبیر «جایگشت» (transposition) برای بینامتنی استفاده می‌کند. (کریستوا، ۱۳۸۴ ص ۴۹) در واقع براساس نظر کریستوا، هر متن از همان آغاز، در قلمرو قدرت پیش گفته‌ها و متون پیشین است. یکی از اندیشمندان بینامتنیت را چنین تبیین کرده است: «نقل قول‌های صریح و ناصریح، تکرار و تغییر ویژگی‌های شکلی و مضمونی یا صرفاً از طریق مشارکت ناگزیر در استفاده از گنجینه سنت‌ها در قواعد زبانی و ادبی و روندهایی که از پیش همواره موجودند و نظام نوشته‌هایی که ما در آن‌ها متولد می‌شویم، تشکیل می‌شود.» (ایبرمز، ۲۰۰۸ م، ص ۴۴۷)

بدین ترتیب رویکرد بینامتنیت، بر ضرورت وجود رابطه بین متن‌ها تأکید دارد. از این رو هیچ مؤلفی، خالق اثر خویش نیست، بلکه اثرش، باز خوانشی از آثار پیشینیان یا معاصرانش می‌باشد. (ایرناریما، ۱۳۸۴، ص ۷۲) بنابراین، خواننده، هیچ متنی را مستقل از تجاری که از دیگر متون دارد، نمی‌خواند بلکه او متن را در بافت دیگر متون می‌خواند. بینامتنی، متون گذشته را به منزله جذب و دگرگون‌سازی می‌داند و منجر به فهم سازواری از زرفای آن متن می‌گردد. همچنین استعدادهای متن‌ها در مواجهه با سایر متن‌ها شکوفا می‌شود. از این رو، روابط بینامتنی مفسر را از سطح ظاهری متن به ابعاد پنهان آن هدایت می‌کند. (قائم‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۴۵۱-۴۵۲)

به طور کلی بینامتنیت دارای سه رکن اصلی است: متن غائب، متن حاضر و روابط بینامتنی. در تبیین روابط بینامتنی صحیفه امام علیه السلام با نهج البلاغه، با تمرکز بر موضوع همگرایی مردم با نظام، متن نهج البلاغه، متن غائب و کلام امام خمینی علیه السلام، متن حاضر است و کوچ لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، روابط بینامتنی نام دارد و تعامل و خوانش این دو متن را تبیین می‌کند که تبیین آن مهمترین بخش رویکرد بینامتنی در تفسیر و تبیین کلام امام خمینی علیه السلام محسوب می‌شود. نکته

شایان توجه اینکه این مقاله درصدد است تا نحوه تأثیرپذیری کلام امام خمینی علیه السلام در موضوع همگرایی مردم با حکومت اسلامی از کلام حضرت علی علیه السلام را به شیوه بینامتنیت مطالعه کند. بدین معنا که نویسنده با نظریه بینامتنیت، قصد مقایسه متن امام خمینی و نهج البلاغه را دارد و این لزوماً بدین معنا نیست که تأثیرپذیری امام راحل از کلام علوی علیه السلام از طریق بینامتنیت بوده است.

محمد بنیس از منتقدان در نقد ادبیات عرب، سه معیار اجترار یا نفی جزئی (متن غائب بدون تغییر و تحوّل باقی می‌ماند.) (ناهم، ۲۰۰۴م، ص ۴۳)، امتصاص یا جذب یا نفی متوازی (مؤلف نوعی سازش میان متن غائب و حاضر ایجاد و از معنای متن پنهان دفاع کرده است و متن پنهان براساس مطالبات عصر نویسنده یا گوینده تجدید بنا می‌گردد.) (همان، ص ۴۸) و حوار (گفتگو) یا نفی کلی (بالاترین مرحله‌ی خوانش متن است. زیرا نویسنده، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند. به گونه‌ای که در مقابل معنای متن پنهان به کار می‌برد. لذا یافتن متن پنهان در این نوع بینامتنی، آگاهی عمیقی نسبت به متن پنهان را طلب می‌کند) (وعدالله، ۲۰۰۵م، ص ۳۷) را برای بازآفرینی متن غائب در متن حاضر به کار می‌برد.

در تقسیم‌بندی دیگر، محمد عزام، بینامتنیت را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند:

۱- بینامتنی ظاهر یا آگاهانه: در این نوع تناص، نویسنده یا شاعر به شکل واضح و مشخص، از متن دیگری در شعرش استفاده می‌کند.

۲- بینامتنیت غیرظاهر یا پنهان یا غیرآگاهانه: نویسنده یا شاعر، به شکل غیرآگاهانه و از ضمیر ناخودآگاه خود، از متن دیگری استفاده می‌کند و از اینکه متن دیگری یا جزئی از آن را با خصوصیتی از آن، در متن خود جای داده است، ناآگاه است. (عزام، ۲۰۰۱م، ص ۳۸)

در این مقاله این نظریه‌ها و معیارها، در تبیین نوع و گونه روابط بینامتنی میان کلام علوی علیه السلام و امام خمینی علیه السلام مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۴- ادبیات پژوهش

همگرایی با همبستگی، تقارب معنایی دارد. همبستگی اجتماعی، در ادبیات علوم اجتماعی، به معنای احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آن‌هاست. (بیرو، ۱۳۸۰ش، ص ۴۰) به عبارت دیگر، همگرایی بدین معناست که همه اعضای

جامعه، به گونه‌ای با یکدیگر متعهد شده باشند که همه استعدادها و توانایی‌های شخصی و فردی خود را برای حمایت همه جانبه از دیگران به کاربندند و بدین وسیله از حمایت‌های همه جانبه دیگران بهره‌مند خواهند شد. (آبراهامز، ۱۳۶۴ ش، ص ۸۴) بنابراین، این تعهد دوسویه و قرارداد اجتماعی، عامل ایجاد همبستگی و تعامل اجتماعی در یک نظام تعاملی است. به طور کلی، می‌توان گفت منظور از همگرا شدن مردم با نظام، نزدیک شدن آن‌ها به یکدیگر، به منظور اتخاذ مواضع مشترک در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی و مانند آن است.

بی‌شک امام علی علیه السلام در دوران حکومت خویش، بیشترین تلاش را برای زیباترین حکومت اسلامی در سایه همگرایی مردم و حکومت به کار برد و این موضوع، در نهج البلاغه، به زیبایی جلوه دارد. امام راحل، نیز در تشکیل نظام اسلامی، بیشترین تأثیر را از اندیشه علوی علیه السلام داشته است. لذا ضرورت بررسی این دو نگره فکری و چگونگی تأثیرپذیری امام راحل ضروری است. در حقیقت، اهمیت و ضرورت همگرایی مردم با نظام اسلامی در عصر حاضر را می‌توان در تأسیس نظام سیاسی اسلامی در انقلاب اسلامی ایران دانست که با تأسیس آن، مشارکت جدی مردم در ساختن جامعه مشخص شد.

#### ۵. محورهای بینامتنیت صحیفه امام با نهج البلاغه در موضوع همگرایی مردم با نظام

در موضوع همگرایی مردم با نظام اسلامی، در متن نهج البلاغه و صحیفه امام خمینی علیه السلام مباحث متنوعی مورد نظر است، لیکن با توجه به تمرکز مقاله بر تأثیرگذاری نهج البلاغه بر مباحث امام خمینی علیه السلام در موضوع فوق، دو محور ذیل در این مقاله، مورد مذاقه قرار گرفته است که مهمترین آن‌ها مورد بررسی بینامتنی قرار می‌گیرد:

- مبانی همگرایی مردم با نظام

- اقدامات عملی امام خمینی علیه السلام در ایجاد همگرایی مردم با نظام اسلامی

#### ۵۰۱ - مبانی همگرایی مردم با نظام

مراجعه به اندیشه نظری و رویکرد عملی بنیانگذار جمهوری اسلامی در دوران رهبری، می‌تواند مبانی فکری ایشان را مبرهن سازد. تدقیق و بازخوانی کلام امام خمینی علیه السلام گواه آن است که ایشان مبانی فکری همچون رضایت‌مندی مردم از نظام، ساده زیستی حکمرانان، شایسته‌سالاری و تعهد به

نظام را که متأثر از اندیشه علوی است، از مهمترین عوامل مؤثر در همگرایی مردم با نظام اسلامی معرفی کرده‌اند.

#### ۵۰۱۰۱- ضرورت رضایت مردم از حکومت

اصل رضایت‌مندی مردم از نظام، در همگرایی و همبستگی درونی (اعتقادی) و برونی (مادی) تأثیر فزاینده‌ای دارد. زیرا اگر حکومت، پشتوانه مردمی و محبوبیت اجتماعی خود را از دست بدهد، در درون، دچار آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی می‌گردد. در نگاه اسلامی، مردم صاحبان حقیقی نظام هستند. اساساً، نظام اسلامی، بر پایه اعتقادات و باورهای مردم شکل می‌گیرد. بنابراین رضایت مردم از نظام، هم در مسیر پیشرفت کشور و هم در انتخاب مجریان آن نقش اساسی دارد. به همین دلیل توصیه حضرت امام علی علیه السلام و امام خمینی رحمته الله علیه به حاکمان اجرایی مبنی بر توجه به رضایت مردم، با عنایت به همه جنبه‌ها و عمل بر اساس اصول شریعت بوده است.

متن غائب:

امام علی علیه السلام به مالک اشتر چنین توصیه نموده‌اند: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا [رِضًا] لِرِضَى الرَّعِيَةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يَجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَ إِنْ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يَغْتَفِرُ مَعَ [رِضًا] رِضَى الْعَامَّةِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ «باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که در رعایت حقوق، در حدّ میانه باشد و در دادگری، فراگیرتر باشد و از همه بیشتر، خرسندی عموم مردم را فراهم آورد، زیرا ناخشنودی توده مردم، خشنودی خواص (و شماری معدود) را بی‌اثر می‌کند، و ناخشنودی خواص، به هنگام خشنودی توده‌های مردم قابل گذشت است.»

متن حاضر:

«باید مصلحت زجر کشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام مصلحت پابرنه‌ها و گودنشین‌ها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلام، مقدّم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیش‌تازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند» (امام خمینی، ج ۲۰، ۳۳۳)

روابط بینامتنی: در این نامه، امام علی علیه السلام توجه به رضایت عامّه را در عرض توجه به حق و عدالت دانسته و به مالک توصیه کرده‌اند که رضایت عامّه را [همچون عدالت و حق] در همه امور

خود در اولویت قرار بدهد. در ادامه، آن حضرت علیه السلام توده‌های مردم را پشتوانه دین، کشور و حکومت دانسته و به همین دلیل به مالک توصیه کرده‌اند گرایش و میلش، باید به سود عامه مردم باشد. لذا در نگره فکری آن حضرت، رضایت عمومی، لازمه استقرار حکومت است. امام خمینی علیه السلام نیز با شیوه بینامتنی مضمونی با متن غایب تعامل برقرار کرده است؛ بدین گونه که کلام علوی را توسعه داده و گروه‌های عامه را ذکر نموده است. بنابراین از آنجا که متن پنهان پذیرفته شده، به صورتی در متن حاضر، به کار رفته که جوهره و محتوای آن تغییر نکرده است، از این رو ارتباط بینامتنی، از نوع نفی متوازی است.

#### ۵۰۱۰۲ ساده‌زیستی حکمرانان

یکی از مهمترین مبانی در شکل‌گیری همگرایی میان مردم و نظام، ساده‌زیستی مسئولان و پرهیز از تجمل‌گرایی است. ساده‌زیستی مسئولان موجب می‌شود که فرهنگ معنویت در بین مردم گسترش یابد و مردم از فرو غلتیدن در دام حرص و طمع نجات یابند. زیرا مردم، مسئولان فرادست خویش را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند. بی‌شک ساده‌زیستی مسئولان، قلوب مردم را به سوی آنان جلب کرده و آرامش روحی را به جامعه تزریق می‌کند. امام خمینی علیه السلام متأثر از آموزه‌های علوی، این مهم را به روحانیون و مسئولان نظام توصیه کرده است.

متن غائب: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ [الْحَقِ] الْعَدْلَ أَنْ يَقْدُرُوا أَنْفُسَهُمْ بِصَعَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَفَرُّهُ»؛ «خدا بر پیشوایان حق واجب کرده است خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: خطبه ۲۰۹)

متن حاضر: «من متواضعانه و به عنوان يك پدر پير از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زوی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۲۰، ۳۴۲-۳۴۳)



روابط بینامتنی: امام خمینی علیه السلام در این بخش، در مقام توصیه پدر به فرزند، به تمام روحانیون سفارش می‌کند ساده‌زیستی را سرلوحه خود قرار دهند. زیرا رفاه‌زدگی یکی از آسیب‌هایی است که دنیا و آخرت انسان را نابود می‌سازد. ایشان با الهام‌گیری از کلام علوی، تنها مضمون را اخذ کرده و در قالب توصیه به روحانیون، ساده‌زیستی را سفارش کرده است. لذا سیاق کلام در نهج البلاغه و کلام امام علیه السلام همسو بوده و هر دو متن، خطاب به پیشوایان حکومت است، نوع تناسبات به کار رفته در این بخش، امتصاص (نفی متوازی) است. زیرا مضمون متن حاضر در تعامل با متن غایب قرار دارد و تفکر و اندیشه علوی را در ارتباط با ساده‌زیستن مسئولان اجرایی تکرار می‌کند.

### ۰۵۰۱۰۳ شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران

شایسته‌سالاری، نظامی است که از تلفیق فرآیندهای شایسته‌سالاری، شایسته‌سنجی، شایسته‌گزینی، شایسته‌گیری، شایسته‌گماری و شایسته‌پروری فراهم می‌شود. شایستگی مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، علایق، تجارب و توانمندی‌ها در یک شغل یا نقش خاص است که موجب می‌شود فرد در سطحی بالاتر از حد متوسط در انجام وظیفه و ایفای مسئولیت خویش به موفقیت دست یابد. (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۳) این موضوع در انتصاب مدیران نقش جدی دارد؛ زیرا با انتصاب مدیر شایسته، همگرایی مردم با نظام بیشتر و بهتر خواهد شد. در این بخش، مهمترین مبانی مشترک فکری از منظر امام علی علیه السلام و امام علیه السلام در گزینش شایسته مدیران بیان می‌شود:

### ۰۵۰۱۰۳۰۱ دوری از چاپلوسان و متملقان

یکی از ویژگی‌های حاکم و مسئول شایسته از منظر اندیشه علوی و بنیانگذار جمهوری اسلامی این است که از چاپلوسان و دغل‌بازان به دور باشد. ایشان در این باره فرموده است:

متن غائب: «وَالصَّوْقُ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصَّدَقِ، ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَيَّ أَلَّا يَطْرُوكَ وَلَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَعْلَمْهُ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْأَطْرَاءِ تُحْدِثُ التَّرَهُّو، وَتُذْنِي مِنَ الْعِرَّةِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ «و به پاکدامنان و راستگویان بپیوند، سپس آنها را عادت بده که تو را بی جا مدح نگویند و چاپلوسی نکنند و تو را بر کارهایی که نکرده‌ای نستایند؛ زیرا مدح فراوان خودپسندی می‌آورد و سرانجام به غرور می‌کشاند»



متن حاضر: «همه دست‌اندرکاران- به ویژه رئیس جمهور- باید از چاپلوسان دغلباز و زبان بازان حيله‌گر بر حذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سابقه‌دار که تعهدشان قبل از انقلاب مشهود بوده است، انتخاب کنند. بسا که منحرفان و منافقان، خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه زنند» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱۹، ۳۷۰)

روابط بینامتنی: توصیه امام علیه السلام به مسئولان اجرایی، با عبارت «باید از چاپلوسان دغلباز و زبان بازان حيله‌گر بر حذر باشند» اقتباسی زیبا از کلام علوی است. این بینامتنی امام علیه السلام در سطحی ارتقاء یافته و وسیع‌تر بیان شده است. زیرا خطاب کلام علوی به فرمانده خویش؛ مالک اشتر است ولی امام علیه السلام آن را خطاب به همه مسئولان بیان داشته است. از آنجا که تملق‌گویی و چاپلوسی، نوعی تشویق و تأیید برای افراد تملق‌پذیر، محسوب می‌شود، ممکن است پس از مدتی، این صفات کاذب، به باور تبدیل شده و آن‌ها خود را برتر از دیگران بپندارند. لذا غرور و کبر، خطرناک‌ترین پیامد برای افراد تملق‌پذیر است که امام علی علیه السلام آن را یادآور شده است. امام خمینی علیه السلام از این اندیشه استفاده و بیان کرده است این مسئله به جامعه اسلامی آسیب می‌رساند. بدین ترتیب، امام علیه السلام بار دیگر از مضامین علوی در کلام خود استفاده کرده است، به گونه‌ای که مضمون کلام حضرت علی علیه السلام را مستقیماً و بدون تغییر، در متن خود ذکر می‌کند. این کلام از نظر مضمون با متن غایب در تعامل است و معنی و مضمون در دو متن، تفاوتی با یکدیگر ندارند؛ بدین ترتیب، کاربرد تناص در این بخش را می‌توان نفی متوازی (امتصاص) دانست.

۰۵۰۱۰۳۰۲ ضرورت انتقادپذیری

یکی دیگر از شاخصه‌های شایسته‌گزینی حاکمان، داشتن سعه صدر و روحیه انتقادپذیری است. در اندیشه علوی و امام راحل علیه السلام یکی از شاخصه‌های کارآمدی مجریان حکومتی و به نوعی شایستگی آنان، داشتن روحیه انتقادپذیر دانسته شده است. چنانکه از منظر امام خمینی، انتقاد به جا و سازنده و مطرح شدن اشکال‌ها، باعث روشن شدن عیوب و اشکالات و رشد جامعه و هدایت جریان‌های موجود در جامعه و تقویت نظام می‌شود و راه را برای سعادت جامعه باز می‌کند. (امام خمینی علیه السلام، بی‌تا: ج ۲۱، ۴۸-۷۸)

متن غائب: «آلَةُ الرَّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدرِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: حکمت ۱۷۶؛ ۵۰۱)؛ «ابزار ریاست دارا بودن قدرت تحمّل مشکلات است.»

متن حاضر: «حکومتی که کوچک‌ترین فرد ایرانی بتواند آزادانه و بدون وجود کمترین خطر به بالاترین مقام حکومتی انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد» (امام خمینی علیه السلام، بی‌تا: ج ۵، ۴۴۹)

روابط بینامتنی: متن حاضر با مضمون متن غائب در تعامل غیرآگاهانه است. در توضیح متن غائب می‌توان گفت انسانی که سعه صدر لازم را در اداره امور نداشته باشد، سنگینی بار امانت مدیریت را تاب نمی‌آورد و حق مردمان را ادا نمی‌کند. در حقیقت، مسئولان دولتی باید انتقادپذیری را در نفس خودشان پذیرا باشند، البته مقصود از ریاست، بالانشینی نیست، بلکه مقصود آن است که در مدیریت باید سعه صدر داشت و مسائل را تحمّل کرد. شارح نهج البلاغه در این زمینه می‌نویسد: «سعه صدر فضیلت و برتری است که تحت شجاعت و لوازم آن حاصل می‌شود و آن این است که انسان تجلّد و مدافعه را هنگام ورود حوادث از دست ندهد و حیران زده نشود، بلکه تحمّل نماید و آنچه را واجب است در معنای آن به کار بندد و این روحیه از بزرگترین لوازم ریاست است؛ زیرا ریاست گمان ورود حوادث مهمّه است، هر کس بر این امور متحمّل نشود و سعه صدر نداشته باشد، مدهوش می‌شود و در نتیجه، دولت فاسد گردد» (شرقی، ۱۳۶۶ش: ج ۲، ۱۰۲)

در متن حاضر، امام خمینی علیه السلام، انتقاد آزادانه از حکومت را به عنوان یک حق برای تمامی افراد معرفی کرده است، زیرا اگر این امر، به خوبی، در مجریان حکومتی باشد، همگرایی مردم با نظام بیشتر خواهد شد. این برداشت امام علیه السلام را می‌توان از کلام امام علی علیه السلام به صورت پنهان و ضمنی دانست. ارتباط کلام امام (ه) با اندیشه علوی از نوع نفی کلی (حوار) است که در آن مضمون متن حاضر با متن غایب تقابل دارد. زیرا حضرت علی علیه السلام از تکلیف رؤسا سخن می‌گوید و امام خمینی، در طرف مقابل، از آزادی مردم در نقد بر رؤسا سخن رانده است.

۰۵۰۱۰۳۰۳ قاطعیت

برخورد قاطع با خاطی و مفسدان، از دیگر مبانی شایسته‌گزینی در نظام اندیشه امیرالمؤمنین علیه السلام و امام خمینی علیه السلام است. بدون شک، سستی در آن، موجب بدبینی مردم و ناکارآمدی حکومت خواهد شد.

متن غائب: «فَاتَّقِ اللَّهَ وَارْزُقْ إِلَى هَوْلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمَكْنِي اللَّهُ مِنْكَ لَأُعْذِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ وَلَا أُضِرَّ بِتَنَكُّ بِسِيفِي» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق: نامه ۴۱؛ ۳۸۱)؛ «... پس از خدا بترس و اموال آنان را برگردان، اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد»

شارحان نهج البلاغه در مورد مخاطب این نامه، اختلاف نظر دارند، ولی اکثرأ معتقدند: نامه خطاب به عبدالله بن عباس است. سیاق این نامه، درباره دلایل انحراف کارگزار و خیانت و اختلاس در اموال مردم است. امام علی علیه السلام پس از سرزنش طولانی، با برخورد قاطع، او را به تقوا امر نموده است. (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ج ۸، ۳۲۰)

همچنین امام علی علیه السلام در نامه‌ای دیگر از نهج البلاغه، زمانی که گزارش فساد و اختلاس ۳۰ هزار درهمی مندربن جارود عبدی، یکی از کارگزاران آن حضرت، به ایشان رسید، با برخوردی قاطع او را عزل کرد و سی هزار درهم را پس گرفت و به او نوشت: «شایستگی این را نداری که در جمع‌آوری بیت المال به تو اعتماد شود» (نهج البلاغه، نامه ۷۱)

متن حاضر: «اگر ما مسامحه بکنیم و بخواهیم که با ترتیب- و مثلاً فرض کنید- اداری و جوّ پرونده‌سازی و به کاغذبازی عمل بکنیم، کارها زمین می‌ماند. باید ارتش، ژاندارمری، به طور قاطع عمل بکنند» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۷، ۳۸۱)

روابط بینامتنی: متن حاضر بازتابی ضمنی از مضمون کلام علوی را به نمایش می‌گذارد. این بازتاب، به گونه‌ای در متن حاضر منعکس شده که در محتوا و مضمون با متن غائب متفاوت است؛ بدین صورت که سیاق کلام امام خمینی علیه السلام درباره لزوم تقویت روحیه مردم و در خطاب با مسئولان است که اگر مسئولان نظام در کار مردم، کوتاهی ورزند باید نیروی انتظامی به طور قاطع برخورد کند. ولی کلام امام علی علیه السلام خطاب به یکی از فرمانداران حکومتی است که اگر به وی دست یابد «لَأُضِرَّ بِتَنَكُّ بِسِيفِي» او را مجازات خواهد کرد. براین اساس، رابطه این بخش از کلام امام خمینی علیه السلام با کلام علوی علیه السلام از نوع نفی کلی (حوار) است که در آن مضمون متن حاضر با متن غائب در تقابل است.

۰۵۰۱۰۴ تعهد به نظام

هر مسئولی در هر بخش دولتی که به فعالیت می‌پردازد باید در قبال آن مسئولیت متعهد باشد. زیرا این تعهد می‌تواند به عنوان یک موتور محرک قوی، آن مسئول را به جنب و جوش وادارد و او را خستگی‌ناپذیر نماید. زمانی که مسئول بداند در قبال نظام برآمده از متن مردم و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی متعهد است، مسیر حرکت نظام را درست تشخیص می‌دهد و سعی می‌کند در این عرصه عمل کند و کشور را برای رسیدن به اهدافش به پیش ببرد. حضرت امام علی علیه السلام و امام خمینی، به این اصل اساسی عنایت داشته‌اند:

متن غائب: امام علی علیه السلام در نامه‌ای به اشعث بن قیس که از سوی عثمان به حکومت آذربایجان منصوب شده بود و شیوه خودکامه داشت و حکومت را ابزاری برای خود می‌انگاشت، چنین می‌نویسد: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق: نامه ۵)؛ «کاری که به عهده توست نانخورش تو نیست بلکه برگردنت امانتی است»

همچنین ایشان در نامه‌ای به یکی از مأموران خود در اخذ زکات، خیانت و کوتاهی در امر حکومت را به دلیل اشتغال آن بر دو امانت الهی و مردمی، بزرگترین خیانت‌ها برمی‌شمارد و نتیجه و ثمره آن را خواری در این دنیا و به شدیدترین وجه، خواری در آخرت، می‌داند: «وَمَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَ رَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَ لَمْ يَنْتَرَهُ نَفْسَهُ وَ دِينَهُ عَنْهَا فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ الذُّلَّ وَ الْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذْلُ وَ أَخْرَى» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق: نامه ۲۶، ۳۸۳)؛ «و آن کس که امانت (مسئولیت) را سبک شمرد و دست به خیانت آلود و خویشتن و دینش را از آن منزّه نسازد درهای ذلت و رسوایی را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود»

متن حاضر: «مهمترین چیزی که برای کشور ما لازم است، تعهد اسلامی و تهذیب اسلامی است» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱۴، ۱۷۰)

«مبارز متعهد به مطالعه دقیق در سوابق اشخاص و گروه‌ها، آرای خود را به اشخاصی دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند... و به حُسن سابقه و تعهد به قوانین اسلام و خیرخواهی امت معروف و موصوف باشند. باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی، خیانت به اسلام و کشور است و موجب مسئولیت عظیم است. از خداوند تعالی خواهانم که پشت‌وپناه شما ملت عزیز باشد و در موارد لغزش، دستگیر همگان باشد» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱۲، ۱۷۸)



روابط بینامتنی: در بند اول، امام خمینی علیه السلام از ویژگی‌های مهم کارگزاران جمهوری اسلامی را که متولی امور قوه اجرایی هستند، تعهد به دین مبین اسلام ذکر کرده است. این عبارت، متأثر از توصیه امام علی علیه السلام به اشعث بن قیس «استاندار آذربایجان»: «فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» است. وی با الهام از مضمون این نامه امام علی علیه السلام، رابطه بینامتنی مضمونی با نهج البلاغه برقرار کرده است و به گونه‌ای کلام علوی در کلام امام خمینی حل شده است.

در بند دوم، امام خمینی علیه السلام انحراف از توجه به تعهد را از مصادیق خیانت ذکر می‌کند. امام علی علیه السلام خطاب به کارگزاران جمع‌آوری صدقات، سبک‌شماری مسئولیت و عدم التزام به آن را، به عنوان خیانت معرفی فرموده است که خواری در دنیا و آخرت را برای شخص موجب می‌شود. در اینجا، امام علیه السلام از مضمون عبارت «فِي الْآخِرَةِ أَذَلُّ وَأَخْرَى» بهره برده است و با شیوه بینامتنی مضمونی، با کلام علوی ارتباط برقرار کرده است. از آنجا که مضمون متن پنهان، پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر اساسی نکرده است، لذا رابطه میان دو متن از نوع نفی متوازی یا امتصاص است.

#### ۵۰۲ اقدامات عملی در ایجاد همگرایی مردم با نظام اسلامی

بررسی کلام علوی بیانگر آن است که ایشان، همواره بر ضرورت همگرایی مردم با نظام تأکید داشته‌اند و در این زمینه، اقدامات عملی را نیز انجام دادند. همچنین امام خمینی با به کارگیری نظریه مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی ایران، نقشی را برای مردم طراحی نمود که موجب همگرایی افزون‌تر آنان با نظام و حفظ آن شده است. مصادیق پرشماری برای رویکرد عملی رهبری امام خمینی در جهت ضرورت همگرایی مردم با حفظ نظام وجود دارد که در این بخش، مهمترین موارد اقتباسی اندیشه ایشان از نهج البلاغه بررسی می‌شود:

#### ۵۰۲۰۱ مشارکت دادن مردم در امور کشور

یکی از شعارهای مهم نظام اسلامی، مشارکت مردم در امور است. زیرا برای تداوم مسیر انقلاب در جهت اصلی آن، چاره‌ای جز اتکا و اعتماد به نیروهای خودی و باورد داشتن به آنها برای مسئولان وجود ندارد. این امر، موجب اعتماد به نفس و داشتن امید به آینده و نگاه مثبت به مسیر پیشرفت کشور می‌گردد.

متن غائب: «فَلَا تَكْفُوا عَنِّي مَقَالَةً بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةً بِعَدْلِ فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقَ مَا أَنْ أُخْطَبَ وَلَا آمَنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: خطبه ۲۱۶)؛ «(مردم) از اینکه در حوزه حکومت حقی را بیان کنید یا مشورت عادلانه‌ای دهید، دوری نگزینید و مرا از این مشورت عادلانه و گفتار حق خود محروم نکنید»

امام علی علیه السلام در این عبارت، تواضع فرموده و خود را نیازمند مشورت و مشارکت مردم در حکومت دانسته است. هر چند باید گفت امام علیه السلام در مقام تعلیم و تربیت اصحاب خویش است و به آنها می‌آموزد که در هر شرایطی احتمال خطا درباره خود بدهید ولی از روی تواضع، خود را هم در زمره آنها قرار می‌دهد لذا این عبارت را نباید بر عصمت امام علیه السلام بهانه و دستاویز قرار داد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۵ش: ج ۸، ۲۶۰)

متن حاضر: «اساس کار يك جمهوری اسلامی، تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت ما و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی، اصلاحات لازم را به عمل آورد. این اصلاحات با مشارکت کامل همه مردم خواهد بود؛ و هدفش قبل از هر چیز از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم ماست» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۵، ۱۵۵)

روابط بینامتنی: کلام علوی علیه السلام درباره ارزش مشورت و مشارکت مردم در حکومت اسلامی است. به تعبیری دیگر، امام علی علیه السلام با اینکه از انسان‌های زمانه خودشان متفاوت بودند اما با این حال، مشارکت مردم را خواستارند و این امر، اهمّیت مسئله همگرایی مردم در حکومت را می‌رساند. امام خمینی علیه السلام نیز، در توصیه‌های فوق‌الذکر بیان کرده‌اند در نظام جمهوری اسلامی، انجام اصلاحات در سایه مشارکت کامل مردم صورت می‌گیرد. تأثیرپذیری اندیشه امام علیه السلام از کلام علوی علیه السلام به صورت نفی متوازی است؛ به این صورت که امام علیه السلام ماده و مضمون را از کلام علوی علیه السلام الهام گرفته و به گونه‌ای دیگر آن را در متن خویش به کار برده است و شناخت این اقتباس نیاز به خوانش آگاهانه دارد تا متن غایب رصد گردد.

#### ۰۵۰۲۰۲ فرهنگ‌سازی ساده زیستی مسئولان

یکی دیگر از توصیه‌های امام خمینی علیه السلام در راستای ایجاد همگرایی مردم با نظام که منبعث از اندیشه علوی است، توصیه به ساده‌زیستی مسئولان است. سطح زندگی مسئولان و کسانی که در



مرکز توجه مردم قرار دارند، در سطحی که مردم ضعیف زندگی می‌کنند، باعث می‌شود توان مقاومت مردم ضعیف بالاتر رفته و همبستگی اجتماعی تقویت گردد. در این وضعیت، فقر، کمتر باعث ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد شد و افراد ضعیف کمتر احساس محرومیت خواهند کرد. به عبارت دیگر، حدّ ارضای نیازهای افراد فقیر کمتر تحریک می‌شود که در این صورت با مقادیر کم هم، رضایت خواهند داشت. از سوی دیگر، کسانی که این عمل را انجام می‌دهند (مسئولان) این عمل‌شان باعث می‌شود که آنان درک درست از شرایط و اولویّت‌ها داشته باشند و راه حل‌های صحیح برای مشکلات چاره اندیشند (شعبانی و عربلو، ۱۳۹۷ش: ۱۴۵).

متن غائب: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدُرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹)؛ «خداوند عزوجل بر رهبران عادل واجب کرده است که خود را با مردم ضعیف برابر قرار دهند تا تنگدستی شخص فقیر او را به طغیان نکشاند»  
متن حاضر: «سرچشمه همه مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفّه و از اشراف و اعیان - به اصطلاح خودشان - از آنها باشد» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱۶، ۴۴۳)

و نیز فرموده است: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید، بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید» (همان: ج ۱۷، ۴۵۳)

«شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه ما زندگی‌شان ساده و عادی بود بلکه پایین‌تر از عادی» (همان: ج ۱۹، ۳۱۸)

روابط بینامتنی: امام خمینی علیه السلام در سخنان خویش، پیرامون لزوم ساده‌زیستی مسئولان از لحاظ معنایی از اندیشه علوی تأثیر پذیرفته است و صفت ساده‌زیستی را در امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان سیره عملی اقتباسی از ایشان بیان فرموده است. به عبارت دیگر، مفهوم ساده‌زیستی مسئولان اجرایی، یکی از اندیشه‌های اصلی امام راحل از تشکیل حکومت اسلامی است و ایشان برای جلب توجه مخاطبان و غنای معنا، به ابتکاری دست زده و امام علی علیه السلام را نمونه عینی این موضوع معرفی

کرده است. در واقع، امام راحل با مقایسه مسئولان آتی جمهوری اسلامی با حکومت صدر اسلام که در اوج ساده‌زیستی روی کار آمده بود، توجه مسئولان به اندیشه ساده‌زیستی را متذکر شده است. این امر، تلاش ذهنی مخاطبان را افزایش می‌دهد و بیش از پیش، آنان را به اندیشیدن و ژرف‌نگری در کلام امام راحل برمی‌انگیزاند. در متن غائب، سخن از ضرورت برابری حاکمان با اشخاص فقیر است. امام خمینی نیز، معنای مورد نظر در متن غائب را در عبارات خود بیان داشته و به شیوه هنرمندانه از آن جهت هدف مورد نظر خود بهره جسته است. نوع بینامتنی به کار رفته در این بخش نفی متوازی (امتصاص) است. زیرا نویسنده، معنای متن غائب را عیناً در متن خویش ذکر نموده و نوعی تعامل آگاهانه با متن غایب برقرار ساخته است.

### ۵۰۲۰۳ تعمیق وحدت بین مردم

وحدت و همبستگی، ضرورتی فطری، عقلی، شرعی، سیاسی و اجتماعی است که از مهمترین عوامل حفظ و بقای اجتماع انسانی است و بشر نه تنها برای بقای حیات جمعی، بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب، چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد. بنابراین یکی از مهمترین عوامل همگرایی مردم با نظام، تعمیق روحیه وحدت است.

متن غائب: «إِنِّي وَاللَّهِ لَا ظُنُّنَّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيَدَاؤُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِاطْلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَبِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَطَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: خطبه ۲۵)؛ «سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنان در باری کردن باطل خود وحدت دارند و شما در دفاع از حق خود متفرقید»

روی سخن امام علی علیه السلام در این نامه، به بسر بن أرطاه است که مردی خونریز و مفسد فی الأرض بود و معاویه وی را با سپاهی به سوی مدینه فرستاد تا شیعیان حضرت علی علیه السلام را تحت فشار قرار داده و رعب و وحشت در دل‌هایشان بیفکند. چنانکه نقل شده بسر، دستور معاویه را دقیقاً اجرا کرد و حتی از خود خشونت بیشتری بر آن افزود و مصائب عظیمی را به بار آورد. (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۳۷۹ش: ج ۱، ۱۷۷) این خبر به امام علی علیه السلام رسید و ایشان در تبیین علت پیروزی و شکست اقوام و ملت‌ها، نامه فوق را بیان فرمود. ایشان یکی از مهمترین عوامل پیروزی اهل شام (بسر) را وحدت اجتماعی و پشتیبانی آنها از یکدیگر معرفی کرده است، هر چند بر باطل رفتار می‌کردند. علامه جعفری در این زمینه می‌نویسد: «آنان پیشوایان خود را با اینکه هدفی باطل و ضد حق دارد، اطاعت



می‌کنند و با این اطاعت زمینه‌ی مدیریت تشکلی او را فراهم می‌آورند، شما پیشوای خود را با اینکه هدف منطقی و حق را دنبال می‌کند، نافرمانی نموده و از مدیریت او تمرد می‌کنید. لذا آنان در برابر پیشوای خود عمل به تعهد می‌نمایند (اگر چه پیشوایشان ضد بشر و هدفش ضد حق است و تعهد با او تعهد برای تقویت ضد بشر در راه رسیدن به هدفی ضد حق می‌باشد). ولی شما در برابر پیشوایان که انسان اعلی است و هدفش حق و تعهد با او و تقویت اصول عالی انسانیت است، تعهد را می‌شکنید و خیانت می‌ورزید.» (جعفری، ۱۳۸۶ش: ج ۵، ۱۱۸-۱۱۹)

متن حاضر: «بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است. این جانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۲۱، ۴۰۱)

روابط بینامتنی: در متن حاضر، امام علیه السلام رمز پیروزی انقلاب را وحدت رویه مردم می‌داند و می‌توان گفت یکی از راهکارهای عملی ایشان در طول زندگانی ایجاد وحدت در میان مسئولان نظام با مردم است. همانگونه که امام علی علیه السلام علت پیروزی مردم شام را وحدت آنان در امر باطل معرفی داشته است. بدین ترتیب، ایشان یکی از عوامل شکست جبهه حق در هر سطحی را پراکندگی و اختلاف معرفی کرده است. زیرا حق، با چندگانگی و عدم هماهنگی یارانش، ضعیف و ناتوان می‌شود و باطل با یگانگی و هماهنگی حامیانش، قوی و نیرومند می‌گردد. (آقائوری، ۱۳۸۷ش: ۴۲)

در هر دو متن، وحدت میان مردم به عنوان یکی از عوامل پیروزی در حکومت اسلامی معرفی شده است و یک بینامتنی مضمونی در متن حاضر از متن غائب دیده می‌شود. اندیشه امام راحل، گونه‌ای اندیشیدن در ژرفای اندیشه‌ی مفاهیم نهج البلاغه است. هدف امام راحل از کاربرد این نوع بینامتنی، این است که می‌خواهد وحدت رویه را که در اندیشه علوی ذکر شده، به دیگران گوشزد



کند. کاربرد تناص در این مقطع را می‌توان نفی متوازی (امتصاص) دانست؛ زیرا نویسنده هم در اندیشه و هم در مضمون با متن غایب در تعامل است و تفکر علوی را در متن خود تکرار می‌کند.

#### ۵۰۲۰۴ نهادینه کردن قانون مداری بر محور عدالت

محوریت قسط و عدل در جامعه، یکی از ویژگی‌های مهم نظام اسلامی است که موجب همگرایی مردم با نظام می‌شود. عدالت در منظومه فکری امام علی علیه السلام از جایگاه والایی برخوردار است و اساس نظام حکومتی ایشان بر مبنای عدالت بوده است. امام علیه السلام عدالت اجتماعی را چنین ارائه کرده است: «العدل سائس عامٌ و الجودُ عارضٌ خاصٌّ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: حکمت ۴۳۷؛ ۵۵۳)؛ «عدالت، تدبیر عمومی مردم است و بخشش، گروه خاصی را عارض می‌شود» از منظر امام علی علیه السلام عدالت اجتماعی عبارت است از تدبیر جامعه و امور مردم به گونه‌ای که هر چیزی در جای خود قرار گیرد و حق کسی ضایع نگردد. رهبر و حاکم جامعه و مردم، هر کدام حقی به گردن دارند. برپایی عدالت اجتماعی باعث می‌شود رهبر و مردم به حق خویش نائل آیند. از منظر امام خمینی رحمته الله علیه حکومت اسلامی، حکومتی قانونی، آن هم منحصر در قانونی الهی است که هدف از تشکیل آن اجرای قانون بر اساس عدالت است. براین اساس باید حاکم اسلامی عالم به قوانین و عادل در اجرای احکام و قوانین باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۶۳۲) ایشان، علاوه بر تکیه به توزیع عادلانه ثروت‌ها و امکانات جامعه، به توزیع صحیح و عادلانه مناصب، برابری آدمیان در برابر قانون، رفتار عادلانه حکومت با مردم و مسائلی از این قبیل بسیار اهمیت می‌داد. از منظر ایشان اجرای عدالت است که جامعه را تبدیل به صورت ظاهر قرآن می‌کند. (ر.ک: امام خمینی، بی‌تا: ج ۱۷، ۴۳۴) تأکید ایشان بر اجرای عدالت یکی از اقدامات مهم عملی در همگرایی مردم با نظام است.

متن غائب: «الْعَدْلُ حَيَّةُ الْأَحْكَامِ»؛ «عدالت حیات احکام [دین] است»

«عَدْلُ السُّلْطَانِ حَيَاةُ الرَّعِيَّةِ وَ صِلَاحُ الْبَرِيَّةِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۶)؛ «عدالت

زماندار، حیات مردمان و مایه صلاح [احوال] خلق است»

متن حاضر: «یک همچو اسلامی که عدالت باشد در آن، اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد، اسلامی که آن شخص اولش با آن فرد آخر همه در سواء در مقابل قانون باشند، در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است و آن قانون الهی» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۹، ۴۲۵)

همچنین «در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند» (همان: ج ۶، ۵۲۵)

روابط بینامتنی: در کلام امام خمینی علیه السلام، متن غائب به صورت مستقیم استفاده شده است و با به کارگیری عبارت «یک همچو اسلامی که عدالت باشد در آن، اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد»، گوینده و شنونده را به سمت متن غایب-عدالت علوی- سوق می‌دهد. امام خمینی این بینامتنی را به صورت آگاهانه در همان مضمون علوی یاد می‌کند، نوع تناسف نفی متوازی است.

#### ۵۰۲۰۵ نفی تبعیض

تبعیض و توجه ویژه به نزدیکان و قائل شدن حق ویژه برای آنان در مسائل اجتماعی و به ویژه حکومتی و بی‌توجهی به توده مردم، یکی از عوامل رشد بی‌اعتمادی در اجتماع است. در حقیقت اگر در جامعه‌ای، تساوی در برابر قوانین وجود داشته باشد و جایی برای تبعیض و دوگانگی باقی نماند و همه اقشار جامعه به حقوق خود برسند، بی‌گمان محیط امنی به وجود می‌آید که در آن استعدادها به شکوفایی می‌رسد و جامعه در مسیر سازندگی قرار می‌گیرد.

متن غائب: «فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يَجِفُّ [بِرِضًا] بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَإِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يَغْتَفِرُ مَعَ [رِضًا] رِضَى الْعَامَّةِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِيِّ مَثُونَةً فِي الرَّخَاءِ وَ أَقَلَّ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبَلَاءِ وَ أَكْرَهَ لِلْإِنْصَافِ وَ أَشَالَ بِالْإِلْحَافِ وَ أَقَلَّ شُكْرًا عِنْدَ الْإِعْطَاءِ وَ أَبْطَأَ عُذْرًا عِنْدَ الْمَنْعِ وَ أَضْعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مُلِمَاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ وَ إِنَّمَا [عَمُودٌ] عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعِدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيَكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ وَ مَيْلَكَ مَعَهُمْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: نامه ۵۳)؛ «همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را، خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند؛ زیرا در روزگار سختی، یاریشان کمتر و در اجرای عدالت، از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان، پافشارتر و در عطا و بخشش‌ها، کم‌سپاستر، و به هنگام منع خواسته‌ها، دیر عذرپذیرتر و در برابر مشکلات، کم‌استقامت‌تر می‌باشند در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد»



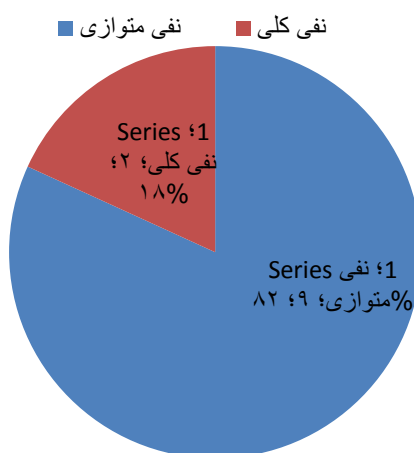
این میثم در ذیل این عبارت حضرت، چنین بیان داشته که امام علیه السلام به دو جهت، ضرورت عدالت همگانی را برای مردم و دل به دست آوردن و در پی خشنودی آنها بودن را توجه داده است؛ یکی آنکه در برابر خشم توده، به دلیل زیادی جمعیت‌شان، خوشحالی خواص به دلیل کمی جمعیت‌شان نمی‌تواند مقاومت کند، بلکه اکثریت به او خواهند تاخت و رضایت خواص به هنگام خشم توده مردم، سودی به حال او نخواهد داشت و این خود باعث سستی و ناتوانی دین می‌شود؛ اما خشم خواص زمانی که توده مردم راضی باشند، قابل چشم‌پوشی و گذشت است. بنابراین، رضایت توده مردم مهمتر است. دوم آنکه امام علیه السلام خواص را با صفات نکوهیده معرفی کرده که خود باعث کم اهمیت دادن به آنها نسبت به توده مردم است و توصیف توده به صفات پسندیده، دلیل بر توجه بیشتر به آنهاست» (این میثم، ۱۳۶۶ ش: ج ۵، ۱۴۴)

متن حاضر: «اسلام بزرگ، تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی، ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد به اسلام، تنها کرامت انسان‌هاست و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی، حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی، متعلق به تمام قشرهای ملت است» (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱۱، ۵۶)

روابط بینامتنی: امام خمینی در این بخش، با شیوه ضمنی و تلمیح‌گونه با متن غایب تعامل برقرار کرده است. امام خمینی علیه السلام با ظرافت تمام، مضمون نهج البلاغه را با زبان و الفاظ خود بیان نموده است. ایشان با بیان اینکه اسلام آیین توده مردم است، خواستار نفی هرگونه تبعیض شده است و کرامت انسانها را در سایه تقوا و خودکنترلی معرفی کرده است. لذا مفهوم نفی تبعیض در کلام‌شان متضمن همان اندیشه علوی است که حضرت علی علیه السلام آن را به مالک اشتر یادآور شده است. چون متن پنهان پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره و محتوای آن تغییر نکرده، ارتباط بینامتنی، از نوع نفی متوازی است.



نهج البلاغه



#### ۰۶ نتیجه‌گیری

بررسی صحیفه امام خمینی علیه السلام در موضوع همگرایی مردم با نظام که از منظر مطالعات روابط بینامتنی با نهج البلاغه مورد توجه قرار گرفت، نتایج ذیل را به دنبال داشته است:

۱- بر اساس آنچه در این پژوهش گذشت، روشن گردید صحیفه امام خمینی علیه السلام نمونه بسیار خوب از متونی است که تحت تأثیر متون دیگر از جمله نهج البلاغه قرار گرفته و مضامین اجتماعی، فرهنگی سیاسی و اخلاقی بسیار زیبایی را در خود جای داده است.

۲- با بررسی این دو متن می‌توان این نتیجه‌گیری را نمود که هر چند نهج البلاغه به دوران امام علی علیه السلام متعلق است و صحیفه امام راحل از آثار معاصر در قرن اخیر است، اما این فاصله زمانی منجر به جدایی این آثار نشده است و امام خمینی علیه السلام از سیره فکری و عملی حضرت علی علیه السلام به طور تعمّدی و آشکار و بعضاً پنهان و مضمونی تأثیر پذیرفته و این تأثیرپذیری در سخنان و متون برجای



مانده از ایشان در صحیفه امام علیه السلام واضح و آشکار است. این امر، حکایت از همسویی ایدئولوژی امام خمینی علیه السلام با اندیشه علوی علیه السلام در برپایی نظام اسلامی است. همچنین نشان‌دهنده این حقیقت است که امام راحل برای منحصر ساختن زبان و اندیشه خویش، از کلام علوی علیه السلام به خوبی بهره برده است تا کلامش را از زبان هنجار متمایز سازد.

۳- نتیجه بررسی عملیات بینامتنی در این پژوهش نشان داد که امام راحل علیه السلام از مفاهیم و کلام حضرت امام علی علیه السلام در حیطه مبانی و اقدامات عملی در همگرایی مردم با حکومت اسلامی در صحیفه امام به طور کاملاً بارز و آشکار تأثیر پذیرفته است و هیچ تعمّدی برای پنهان کردن و کتمان کردن این تأثیر و الهام دیده نمی‌شود، بلکه بهره‌گیری از آن آگاهانه و در اغلب موارد به شکل غیرمستقیم است. بیشتر تناص‌های به کار رفته در متن حاضر، تناص مضمونی و روابط میان آن بیشتر از نوع نفی متوازی است.

۴- انگیزه امام علیه السلام از به کار گرفتن مضامین کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام خود، استحکام سخن، اثر گذاری بیشتر و اقناع مخاطبان می‌باشد. امام راحل علیه السلام سعی فرموده است با استناد به کلام علوی علیه السلام، شواهد و دلایل محکمه‌پسندی را در زمینه همگرایی مردم با حکومت ارائه دهد و مضامین کلام‌های خویش را به نهج البلاغه متجلی سازد.

۵- با استفاده از روش علمی بینامتنیت در این پژوهش میان‌رشته‌ای، متن صحیفه امام کاملاً متأثر از متن نهج البلاغه در موضوع همگرایی مردم با حکومت اسلامی شناخته می‌شود.

## منابع

۱. نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، (تحقیق: صبحی صالح)، قم: هجرت.
۲. آبراهامز، جی.اچ، ۱۳۶۴ش، مبانی و رشد جامعه‌شناسی. (مترجم: حسن یویان)، تهران: چاپخش.
۳. آقا نوری، علی، ۱۳۸۷ش، امامان شیعه و وحدت اسلامی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴. آلن، گراهام، ۱۳۸۵ش، بینامتنیت. (ترجمه: پیام یزدانجو)، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۵. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید، ۱۳۷۹ش، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، (ترجمه: محمود مهدوی دامغانی)، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۶. ابن میثم، علی، ۱۳۶۶ش، اختیار مصباح السالکین؛ شرح نهج البلاغه الوسیط، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۷. ایبرمز، تم.اچ، گالت هرnm، جفری، ۲۰۰۸م، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی. (ترجمه: سعید سبزیان)، تهران: انتشارات رهنما.
۸. ایرناریما، مکاریک، ۱۳۸۴ش، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. (ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی)، چاپ اول، تهران: نشر آگه.
۹. بیرو، آلن، ۱۳۸۰ش، فرهنگ علوم اجتماعی، (ترجمه: باقر ساروخانی). چاپ چهارم، تهران: انتشارات کیهان.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مهدی رجائی، قم: دار الکتب الإسلامی.
۱۱. جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۶ش، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ دهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. خمینی، روح الله علیه السلام (بی تا)، صحیفه امام علیه السلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۳. -----، ۱۳۷۹ش، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۴. شرقی، محمد علی، ۱۳۶۶ش، قاموس نهج البلاغه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.



۱۵. طعمه حلبی، أحمد، ۲۰۰۷م، *التناص بین النظریه و التطبيق: شعر البیاتی نموذجاً*، دمشق، الهیئه العامه السوریه للکتاب.
۱۶. قائمی‌نیا، علیرضا، ۱۳۹۳ش، *بیولوژی نص*. چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. عزام، محمد، ۲۰۰۱م، *النص الغائب*، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
۱۸. کریستوا، ژولیا، ۱۳۸۴ش، *نوتل مک‌آفی*. (ترجمه: مهرداد پارسا). تهران: نشر مرکز.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۵ش، *پیام امام*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۰. ناهم، احمد، ۲۰۰۴م *التناص فی شعر الرواد دراسة. الطبعة الأولى*، بغداد، دار الشؤون الثقافیه العامه.
۲۱. وعدالله، لیدیا، ۲۰۰۵م، *التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره*. عمان: دار مجد لاوی للنشر و التوزیع
- مقاله**
۲۲. شعبانی، احمد، عربلو، مرتضی، ۱۳۹۷ش، «مؤلفه‌های کنترلی حاکم بر انگیزه و رفتار اقتصادی انسان (از منظر اقتصاد اسلامی)». *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۰.